

## تجارت در دوره‌ی آق قویونلوها<sup>1</sup>

احمد برجلو<sup>2</sup>

مهدی سنگ سفیدی<sup>3</sup>

### چکیده

این مقاله در پی بررسی اوضاع تجارت در دوره آق قویونلو است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آق قویونلوها برای افزایش درآمدهای دولت امر تجارت را تشویق و برای تداوم آن سعی و تلاش کرده‌اند. آق قویونلوها در موضوع تجارت از تیموریان که روابط فیزیکی با آن‌ها داشتند، متأثر بوده‌اند. اوزون حسن بیگ برای گسترش تجارت، قوانین و مقرراتی را وضع کرده بود. بسیاری از شهرهایی که تحت حاکمیت آق قویونلوها قرار داشتند، هر یک به مثابه یک مرکز تجاری مهم بودند. در این شهرها کالاهای بسیاری خرید و فروش می‌شد. آق قویونلوها برای تجارت بین-المللی هم اهمیت قائل بودند و سعی داشتند راه‌های تجاری را تحت کنترل خود بگیرند. از این منظر طرابوزان برای دولت آق قویونلو از اهمیت تجاری ویژه‌ای برخوردار بود. این شهر به منزله‌ی معبری برای ورود تجار آق قویونلو به دریای سیاه بود. تجار آق قویونلو در این شهر علاوه بر ونیزی‌ها و ژنوایی‌ها که برای خرید ابریشم و دیگر کالاهای شرقی به آن جا می‌آمدند، با دیگر تجار اروپایی نیز دیدار

1. این مقاله ترجمه‌ای است از Ak-Koyunlular Döneminde Ticaret The Trade In The Aqqoyunlu

Period نوشته کاظم پایدش در مجله تحقیقات تاریخی دانشکده‌ی زبان و تاریخ دانشگاه آنکارا، 2004.

2. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه خوارزمی. Ahmetborjlu@yahoo.com

3. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خلیج فارس بوشهر. mehdisangsefidi11@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1394 / 6 / 27 تاریخ پذیرش: 1394 / 8 / 8

می‌کردند. تجار آق‌قویونلو علاوه بر این که سود سرشاری از تجارت طرابوزان به دست می‌آوردند، به واسطه‌ی این شهر با مراکز تجاری واقع در شبه جزیره‌ی کریمه ارتباط برقرار می‌کردند. قسمت بزرگی از تجارت خارجی دولت آق‌قویونلوها را تجارت ابریشم تشکیل می‌داد.

**واژگان کلیدی:** آق‌قویونلو، تجارت، ابریشم، اوزون حسن‌بیگ، تبریز.

#### مقدمه

آق‌قویونلوها در سرزمین‌های تحت حاکمیت خویش، مانند دیگر حکومت‌های پیش از خود امر تجارت را تشویق و برای تداوم آن تلاش کرده‌اند. آن‌ها در امر تجارت از سلجوقیان، ایلخانان و جلایریان تأثیر پذیرفته‌اند. علاوه بر این دولت‌ها، آق‌قویونلوها تحت تأثیر دولت نیموریان که روابط نزدیکی با آن‌ها داشتند نیز بودند. نشانه‌ی آشکار این تأثیر اصطلاحات مالیات تجاری است. (Hinz Walter, 1992: 89). تیمور که می‌دانست تجارت یک منبع درآمد بسیار مهم برای دولت می‌باشد (Aka İsmail, 1981: 111) تجار و کاروان‌های تجاری زیادی را به نقاط مختلف اعزام می‌کرد و به آن‌ها دستور می‌داد که کالاها و اشیای کمیابی که در ترکستان، چین، هند، مصر و شهرهای مختلف فرنگ پیدا می‌کنند را برای او بفرستند. همچنین این تجار و بازرگانان مأموریت داشتند که وضعیت این مناطق، تعداد جمعیت و به ویژه نحوه‌ی رفتار حاکمان این مناطق با اتباع خود را به تیمور گزارش دهند. تیمور دستور داده بود به هر تاجری که در اثر ضرر و زیان سرمایه‌ی خود را از دست داده باشد، مقداری پول که بتواند با آن تجارت کند و سرمایه‌ی خود را باز

یابد، پرداخت شود. در نتیجه‌ی این اقدامات ما شاهد گسترش قابل ملاحظه‌ی تجارت در دوره‌ی تیمور هستیم. (Şerefeddin Ali,1339: 55-56, Tekin). (Emrullah,1994: 50)

اما بعدها در اثر تکه تکه شدن میراث تیمور، جریان تجارت از شرق به غرب، شمال ایران و آسیای میانه با وجود تداوم تجارت محلی با جنوب غرب آسیا و هندوستان، رو به کاهش نهاد. اما با این حال در زمان اوزون‌حسن تجار و کاروان‌های تجاری همچنان از دانوب تا چین در حال رفت و آمد بودند. (Ferrier Ronald,1985:416). بنابراین این مقاله در پی توصیف کامل اوضاع تجارت در قلمرو آق‌قویونلوها می‌باشد تا زوایای پنهان تجارت پس از تیموریان را بیش از پیش روشن نماید.

### وضع قوانین تجاری توسط دولت آق‌قویونلو

آق‌قویونلوها علاوه بر این که در امر تجارت تحت تأثیر اقدامات و قوانین تیموریان بودند، خود نیز برای گسترش هر چه بیشتر تجارت قوانینی وضع کردند. برای مثال اوزون‌حسن مقدار مالیات بر تجارت را که طمعا نامیده می‌شد از بیست درهم به یک درهم کاهش داد این کار برای گسترش و توسعه‌ی تجارت در دولت آق‌قویونلو بود. (Al Azzavi Abbas,1939: 254).

زیرا بالا بردن میزان این مالیات تجاری، مانعی برای گسترش امر تجارت بود. علاوه بر این کاروان‌های تجاری که از رقه عبور می‌کردند مورد هجوم و چپاول قبایل عرب

نشیب، غنّین و ربیعہ قرار می‌گرفتند. اوزون‌حسن این قبایل را به شدت تأدیب و امنیت را برای بازرگانان و کاروان‌های تجاری برقرار کرد. همه‌ی این اقدامات نشان‌گر اهمیتی است که حاکم آق‌قویونلو برای تجارت قائل بود. (Çarşili, 1984: 246).

دوآنی که یکی از عالمان دولتی آق‌قویونلو بود، حکمران را به محافظت و اعزاز تجاری که از مناطق دور دست می‌آمدند توصیه می‌کرد. به عقیده‌ی دوآنی حاکم با این عمل می‌توانست نامی نیک از خود میان مردم برجای گذارد، محبت انسان‌ها را نسبت به خود جلب کند و مرجع آن‌ها باشد و در نتیجه سطح رفاه را در کشورش بالا ببرد. (Devvani Celaleddin, 1438, 218-29) (Practical Philosophy of The Muhammadan people 1839:455).

### اوضاع تجارت در شهرهای دوره‌ی آق‌قویونلو

شهرهای تحت حاکمیت دولت آق‌قویونلو هر یک به مثابه‌ی مرکز تجاری مهمی بودند. برای مثال پارچه‌ی حلب در دیاربکر به فروش می‌رسید. پارچه‌هایی که به بازار دیاربکر آورده می‌شدند از نوع اسکندرانی و نوعی پارچه به نام مّلی که مجار-ها در لباس‌های سنتی خود از آن‌ها استفاده می‌کردند و همچنین نوعی کرک به نام دُل بند و جلقاوه و پارچه‌ی کرک دار بودند. آهن، شیشه و مس برای فروش در بازار یا فروش در نقاط دیگر به آن جا آورده می‌شد. چاقو و پارچه‌ی کتانی برای عرضه در بازارهای مختلف از دیاربکر می‌گذشت. برده‌ی سیاه پوست و سفید نیز در بازار دیاربکر خرید و فروش می‌شد. باج که نوعی مالیات بر گمرک بود از میوه‌ی تازه،

نمک، انار، پیاز، برنج، پنبه‌ی حلّاجی شده، کرک، ظروف سفالی، زغال و هیزم دریافت نمی‌شد. (Akgündüz A, 1991: 222-223).

بدون شک عدم وصول مالیات از کالاهای این چینی عامل بسیار مهمی در گسترش تجارت شهری بود. ابریشم و پارچه مهم‌ترین کالاهای تجاری بازارهای آق‌قویونلو بودند. به ویژه این که در قرن پانزده صنایع ابریشمی در اروپا پیشرفت زیادی کرده بودند و ابریشم با کیفیت ایران بیش از هر زمان دیگری در بورسا خواهان داشت.

راه‌های کاروانی تبریز- بورسا که یکی از سمت شمال و از شهرهای بولو و کاستامانو و دیگری از سمت جنوب و از شهرهای آنکارا و چوروم می‌گذشت، پس از دنبال کردن دو جهت از طریق آماسیه-توکات ارزنجان- ارزروم و دره‌ی ارس به تبریز می‌رسید. (İnalçik Halil, Bursa, 1960: 51).

همان‌گونه که از قانون‌نامه‌ی ارغانی استنباط می‌شود، در شهر ارغانی تجارت ابریشم صورت می‌گرفت و منسوجات آناتولی، حلب، شام و مصر از این شهر می‌گذشت. علاوه بر این از شهرهای عثمانی نیز پارچه‌ی فرنگی و نوعی لوبیای وحشی عبور می‌کرد. با توجه به موقعیت شهر ارغانی که در مسیر راه‌های تجاری قرار داشت علاوه بر کالاهایی که ذکر شد، کالاهای تجاری دیگری همچون شکر و شوید نیز از این شهر عبور می‌کرد. در بازار شهر ارغانی نیز پنبه، صابون و حنا خرید و فروش می‌شد. کشاورزان ارغانی از انگورهای تازه‌ای که از باغ‌های خود می‌چیدند، شراب تولید کرده و از این راه کسب درآمد می‌کردند. (Akgündüz A, 1991: 255).

در شهر خرپوت که یکی از شهرهای مهم دولت آق‌قویونلو بود، پارچه‌های پاستا و چوکا که از دولت عثمانی آورده می‌شدند، خرید و فروش می‌شد. از شهر ابوطاهر<sup>1</sup> انگور تازه به خرپوت آورده می‌شد و از هر بار انگور دو آغچه مالیات طمغا گرفته می‌شد. (Ünal Mehmet Ali, 1989: 6).

اما از فروش انگور خرپوت در داخل شهر هیچ گونه مالیاتی اخذ نمی‌شد. در شهر خرپوت پارچه‌های پنبه‌ای بافته و تجارت می‌شد. هر توپ از این پارچه‌ها بیست ذراع بود که از آن مالیاتی معادل یک طمغای حسن‌بیگی گرفته می‌شد. پارچه‌های کتانی طرابوزان نیز در شهر خرپوت خرید و فروش می‌شد.

(Akgündüz.A, 1991: 260-261). از طریق شهر ماردین که بر سر راه حلب-شام بود، تجارت پارچه‌های یزدی، فرنگ و آناتولی انجام می‌گرفت. در داخل شهر نیز پارچه‌های رنگی، پارچه‌های خام، شکر، نوعی بارانی که مخصوص چوپان‌ها بود، شیشه، قلع، نفت، پوست فرآوری شده، چاقو و فولاد مورد خرید و فروش قرار می‌گرفت. هم‌چنین کالاهایی مانند صابون، آهن، سرب و پارچه‌ی بعلبکی از شهر عبور می‌کردند. تجارت برده نیز در شهر ماردین صورت می‌گرفت. کالاهایی مانند عسل، روغن، رنگ قرمز، سماق، انار، خرما، قیر، سقز سیاه و سفید، روغن چراغ و لیمو که از ماردین عبور می‌کردند از هر بار چهار تنگه مالیات گرفته می‌شد. هم‌چنین حیوانات اهلی مانند اسب، قاطر، شتر و گاو نیز در داخل شهر خرید و فروش می‌شد. کارگاه‌های ابریشم نیز در شهر ماردین وجود داشت. علاوه بر این افرادی نیز به

1. در دوره‌ی عثمانی و در قرن 16 م نام ناحیه‌ای وابسته به خرپوت بود.

صورت دستی به تولید پارچه و فروش آن مشغول بودند. (Ibid: 272-273).  
مشاهدات باربارو سفیر ونیز در دوره‌ی اوزون‌حسن، اطلاعات موجود در قانون نامه-  
ها را تأیید می‌کند. طبق مشاهدات باربارو در شهر ماردین که تحت حاکمیت دولت  
آق‌قویونلو بود، ابریشم فراوانی تولید می‌شد. (Barbarogiosafat, 1873: 48).

اورفا نیز یکی دیگر از شهرهای حکومت آق‌قویونلو بود و در مسیر تجاری مصر-  
سوریه قرار داشت. کالاهای زیادی از قبیل صابون، حنا، خرما، فندق، بادام، روغن  
زیتون، روغن ساده، عسل، شیر، کشمش، انجیرخشک و زردآلو از حلب و نقاط  
دیگر به این شهر آورده و فروخته می‌شد. در داخل شهر نیز تجارت لفل، زنجبیل، -  
قرنفل، قلع و آلمینیوم انجام می‌گرفت. (Akgündüz A, 1991: 276-277).

شیراز نیز که یکی دیگر از شهرهای دولت آق‌قویونلو بود، در زمینه‌ی پرورش اسب  
و ساخت سلاح جایگاه برتری داشت. (Giovanni Maria, 1873: 95). یکی  
دیگر از مراکز مهم تجاری دولت آق‌قویونلو شهر ارزنجان بود که در زمینه‌ی  
فعالیت‌های صناعی و تجاری جایگاه ویژه‌ای داشت. (Miroğlu Ismet, 1990: 173).

ارزنجان همانند پلی بود که آناتولی را به شرق و تبریز و ایران متصل می‌کرد و قرار  
گرفتن آن بر سر راه کاروان‌های تجاری، بر اهمیت این شهر افزوده بود، ارزنجان قبل  
از حاکمیت آق‌قویونلوها نیز یک مرکز تجاری بود. استخراج و تولید زاج از قره-  
حصار و صادرات آن به اروپا، سودی سرشار برای مملکت در پی داشت. در سایه‌ی

همین سود و ثروت صنعت در ارزنجان پیشرفت کرده بود و پارچه‌هایی که در این شهر تولید می‌شد، شهرت جهانی داشت. (Turan Osman, 1993: 71).

علاوه بر این در ارزنجان تجارت برده نیز انجام می‌گرفت. از هر برده‌ای که در شهر فروخته می‌شد صد و پنجاه آقچه‌ی سیاه مالیات گرفته می‌شد. کالاهای تجاری با ارزشی همچون مروارید و مشک نیز در داخل شهر خرید و فروش می‌شد که این نیز نشان‌گر ثروتمندی شهر بود. پارچه‌هایی از نوع صوف، تفته، چوخه و واله از ولایت‌های عثمانی به ارزنجان آورده و به فروش می‌رساندند. از طرابوزان نیز پارچه‌ها و لباس‌های کتانی برای فروش به ارزنجان آورده می‌شد. (Akgündüz, 1991: 296).

ارزنجان در دوره‌ی ایلخانی به خاطر قرار گرفتن در مسیر تجارت بین‌المللی شهری توسعه یافته بود. (Miroğlu Ismet, 1990: 173) و ارزنجان علاوه بر این که اهمیت تجاری خود را در دوران آق‌قویونلوها حفظ کرد در سایه‌ی اقداماتی که اوزون‌حسن برای گسترش تجارت انجام داد، بر اهمیت تجاری آن افزوده شد.

در نیمه‌ی دوم قرن پانزده و در دوران حکومت اوزون‌حسن، روابط اقتصادی و سیاسی دولت آق‌قویونلو با کشورهای اروپایی به ویژه ونیز<sup>1</sup> موجب گسترش تجارت داخلی و خارجی تبریز گردید. (İnalçik Halil, Bursa And 144)

.Commerce Of The Levant, 1960:

1. انقراض دولت تیموریان و پیروزی‌های بزرگی که دولت عثمانی به دست آورد، اثری منفی در تجارت ونیز بر جای گذاشت. ونیزی‌ها برای رهایی از این وضعیت در سال 1472 قراردادی با اوزون‌حسن بر ضد دولت عثمانی منعقد کردند. (Ronaldferrier 1985, volVI:417).



اوزون حسن ناکارآمدی نظام مالیاتی‌ای که تا عصر خود معمول بود و همچنین سنگینی میزان مالیات‌ها را تشخیص داده و برای از میان برداشتن رکود اقتصادی کشور خویش، نظام مالیاتی جدیدی را پایه گذاری کرد و موجب گسترش تجارت در این دوره گردید. قانون نامه‌ی اوزون حسن کا با عنوان قانون نامه‌ی حسن پادشاه معروف است تا نیمه‌ی اول قرن شانزده یعنی در سال 1557 که شاه طهماسب اول قانون نامه‌ی جدیدی را به وجود آورد، از سوی صفویان مورد استفاده قرار می‌گرفت. معاهداتی که اوزون حسن با کشورهای اروپایی می‌بست نیز موجب گسترش امر تجارت در تبریز می‌شد. (Onullahi S.M,1982: 68-69).

در حقیقت تبریز پیش از آق قویونلوها نیز یکی از مراکز مهم تجاری در سطح جهان بود. راه تجاری‌ای که از تبریز شروع می‌شد از طریق شاهراه ارزنجان - سیواس، یا به سمت قونیه یا به سمت خلیج اسکندرون که در دوره‌ی مغول مهم‌ترین بندر برای صادرات کالاهای آسیا بود منتهی می‌شد. راه‌های تجاری که از سمت قونیه شروع می‌شدند پس از عبور از دنیزلی به بندر آنتالیا و افس می‌رسیدند.

بازرگانان غربی کالاهای مهم و با ارزش آسیا مانند ابریشم و ادویه را از طریق این بندر تهیه می‌کردند. بازرگانان ایتالیایی که در تبریز ساکن بودند پارچه‌های پشمی خود را با ابریشم ایران و یا با ادویه‌ی هندوستان که از طریق بغداد و تنگه‌ی هرمز وارد ایران می‌شد معاوضه می‌کردند. (İnalçik Halil,2000: 27-271).

کنتارینی که در سال 1474 به عنوان سفیر ونیز در تبریز بود، بر فراوان بودن ارزاق در شهر تبریز در عین حال گرانی آن‌ها، فراوانی بازار در شهر، وجود انواع مختلف

کالاهای تجاری و عبور کاروان‌های تجاری بسیار که ابریشم و کالاهای تجاری دیگری را با خود به حلب حمل می‌کنند، تصریح می‌کند. (Contarini Amrosio, 1873: 127). (Kareng, 1351: 19).

باربارو نیز به رونق تجارت در دولت آق‌قویونلو و به وجود کاروانسراهای زیادی در شهر اصفهان که کالاهای بازرگانی در آن‌ها نگهداری می‌شد اشاره می‌کند. در شهر کاشان نیز که یکی از شهرهای دولت آق‌قویونلو بود، مقدار قابل ملاحظه‌ای ابریشم تولید می‌شد. علاوه بر این در سیاحت نامه‌ی باربارو به تولید ابریشم به مقدار زیاد در شهر یزد<sup>1</sup> وجود شمار زیادی صنعت گر که به کار تولید ابریشم و پارچه مشغول بودند، اشاره شده است.

ابریشمی که به استرآباد فرستاده می‌شد انواع مختلفی داشت. نیاز ابریشم هندوستان، ترکیه و ایران و کارگران ابریشم از شهر یزد تأمین می‌شد. طبق نوشته‌ی باربارو بازرگانی که برای تجارت به یزد می‌آمد، اگر آشنایی در شهر نداشت، در میدانی که به وسیله‌ی دکان‌ها احاطه شده بود، می‌ماند.

باربارو اشاره می‌کند که در بازار یزد فروشندگان اشیای فروشی و ابریشم را که قیمت آن‌ها بر روی کاغذی نوشته شده بود و بر روی دستان خود آویزان کرده بودند و بدون این که حرفی بزنند به فروش می‌رساندند. ساعت کاری بازار تا ظهر بود و اگر تاجری قصد خرید این اشیاء را داشت فروشنده را صدا می‌زد و او را به دکان

1. پارچه‌های یزد به ویژه پارچه‌های «ستن» و «مسلین» در آن دوره خریداران زیادی داشت. (ismailaka, 1981: 115).

کوچکی می‌برد بعد از این که تاجر کالایی را می‌خرید، فروشنده بعد از شام برای گرفتن پول خود مراجعه می‌کرد.

باربارو همچنین به وجود تعداد زیادی از تجار در شهر شیراز اشاره می‌کند که اغلب آن‌ها از سمرقند می‌آمدند و به همراه خود جواهرات برای فروش می‌آوردند. (Barbaro, 1873: 73-74).

طبق نوشته‌ی باربارو هرگز که خراج گزار اوزون‌حسن بود، یک مرکز مهم تولید ابریشم بود. تجار هم از هندوستان به ایران و هم از ایران به هندوستان در حال رفت و آمد بودند. (Ibid: 79). اوزون‌حسن برای توسعه‌ی تجارت تدابیر زیادی اندیشیده بود.

برای مثال برخی از مقررات و ترتیبات تجاری او تا قرن 18 در دیاربکر، آذربایجان، فارس، عراق عرب و عراق عجم جاری بود. مقررات تجاری اوزون‌حسن در قرن شانزدهم و در قوانین عثمانی که در رابطه با آناتولی شرقی بودند محفوظ بوده به گونه‌ای که نرخ مالیات بر فروش همچنان ثابت و عوارض ورود نیز همان عوارض دوران اوزون‌حسن بود، در سایه‌ی این اصلاحات و مقررات از برخورد سلیقه‌ای مأمورین و کارگزاران محلی و دادن امتیازات ویژه جلوگیری شد و با تشویق تجارت درآمدهای دولت افزایش یافت. (Woods John E, 1976: 122) (Özbudun) (Sibel, 1993: 187).

## تجارت بین‌المللی در دوره آق‌قویونلو

در کنار این تلاش‌ها و اقدامات، آق‌قویونلوها برای تجارت بین‌المللی نیز اهمیت قائل بودند به همین منظور سعی داشتند مسیرهای مهم تجاری‌ای که برای تجارت بین‌المللی اهمیت داشتند را تحت سیطره‌ی خود بگیرند. طرابوزان نیز از این منظر برای دولت آق‌قویونلو دارای اهمیت ویژه‌ی تجاری بود. این شهر معبری برای ورود تجار آق‌قویونلو به دریای سیاه بود. تجار آق‌قویونلو در این شهر با بازرگانان ونیزی و ژنوایی که برای خرید ابریشم و دیگر کالاهای شرقی به آن جا می‌آمدند و همچنین با دیگر تجار اروپایی دیدار می‌کردند.

بازرگانان آق‌قویونلو از تجارت طرابوزان سود سرشاری به دست می‌آوردند و به واسطه‌ی این شهر با مراکز تجاری واقع در شبه جزیره‌ی کریمه ارتباط برقرار می‌کردند. (Memmedov Süleyman, 1994: 373).

به دلیل همین اهمیت تجاری طرابوزان، آق‌قویونلوها از طریق ازدواج خانوادگی با خاندان امپراطوری طرابوزان- رم، این شهر را تحت کنترل خویش درآوردند. به همین علت سعی کردند از فتح این شهر به دست سلطان محمد فاتح جلوگیری کنند. این کار نه به خاطر دفاع از امپراطور طرابوزان در مقابل فاتح بلکه به دلیل جلوگیری از دست یافتن دولت عثمانی به این شهر مهم تجاری بود. (Tansel Selahatin, 1999: 282).

اما پس از محاصره و فتح طرابوزان توسط سلطان محمد فاتح، این شهر که برای دولت آق‌قویونلو اهمیت تجاری ویژه‌ای داشت و رقیبی برای ژنوا در دریای سیاه

بود، سقوط کرد و اهمیت خود را از دست داد و دولت آق‌قویونلو تنها معبر ورود به دریای سیاه را از دست داد. (Neşri Mehmed, 1995: 753). (Memmedov). (Süleyman, 1994: 374).

### روابط تجاری ایران و عثمانی در دوره آق‌قویونلو

در آن دوره کشورهای ایران و عثمانی و دولت - شهرهای ایتالیا که مهم‌ترین کشورهای طرف تجارت ابریشم بودند، از اهمیت اقتصادی و مالی آن آگاه بودند. مبادلات و جنگ‌هایی که بین ایران و عثمانی برای سیطره بر جاده‌ی ابریشم که بین تبریز و بورسا بود تا قرن‌های پانزده و شانزده ادامه داشت. (İnalçik). (Halil, 2000: 281).

در حقیقت یکی از علل مجادلات بین دولت عثمانی و آق‌قویونلو، رقابت تجاری بین دو دولت بود. دولت عثمانی از ابریشم ایران در دو شهر عوارض گمرکی دریافت می‌کرد. یک گمرک در توکات و گمرک دوم در شهر بورسا اخذ می‌شد. دولت آق‌قویونلو از اخذ عوارض گمرکی در توکات ناراضی بود. اوزون‌حسن این اقدام را بدعتی ناحق از طرف سلطان محمد فاتح شمرده و آن را تقبیح کرد. (İnalçik). (Halil, Bursa And Commerce Of The Levant, 1960: 52).

به همین دلیل در سال 1472 برای جلوگیری از قاچاقچی‌گری فاتح که گمرک خانه‌ی جدیدی را در توکات ایجاد کرده بود، نیرویی تحت فرماندهی یوسف بایندر، امیر بیگ هوصلو، قزل احمد اسفندیانی، پیراحمد قره‌مانی و قاسم بیگ به این شهر

گسیل کرد. نیروهای آق‌قویونلو در مقیاسی وسیع انبارهای ابریشم ترانزیتی و همچنین ابزار آلات وزن کشی ابریشم را به طور عمدی آتش زده و تخریب کردند. (Tihrani Ebu Bekr-İ, 1993: 567) (Öztürk Mürsel, 2001: 343). (Neşri Mehmed, 1995: 753). (Woods John E, 1976: 129).

سلطان محمد فاتح نیز بر سر راه کاروان‌های تجاری که بین آذربایجان و کشورهای اروپایی در حرکت بودند، مانع ایجاد می‌کرد و از کالاهایی که از خاک عثمانی می‌گذشت مالیاتی با نرخ بالا اخذ می‌کرد. سیاست گمرکی محمد فاتح بر تجارت ترانزیتی اروپا- آسیا تأثیر منفی می‌گذاشت.

این تأثیر منفی در دولت آق‌قویونلو محسوس تر بود. دولت‌های اروپایی نیز برای تأمین منافع خود دشمنی بین آق‌قویونلو و عثمانی را تشدید می‌کردند. اوزون‌حسن نیز برای مقابله با عثمانی سعی در گسترش روابط تجاری خویش با دولت‌های اروپایی می‌کرد. (Memmedov Süleyman, 1994: 374). پایه و اساس تجارت خارجی ایران را ابریشم تشکیل می‌داد. بنا بر گفته‌ی چاردین سالیانه 22000 عدل ابریشم صادر می‌شد که 2000 عدل آن را کشور هلند خریداری می‌کرد. (Anonymous, 1943: 19-20).

به طور کلی تجارت با کشورهای اروپایی را آرامنه بر عهده داشتند. (Ibid: 20). در حالی که اکثریت قریب به اتفاق تاجران ابریشم که در قرن‌های پانزده و شانزده از ایران به بورسا می‌آمدند را مسلمانان فارس و آذری تشکیل می‌دادند که از اهالی

تبریز، شماخی، چخورسعد، گیلان و شیروان بودند. البته در میان آن‌ها تاجرانی نیز از یزد، شیراز، قزوین، کازرون، اصفهان، کاشان و سبزوار نیز وجود داشتند.

بعضی از این بازرگانان در بورسای سکونت اختیار کردند. برای مثال شخصی به نام خواجه عمادالدین که برای وصول طلب خود از بازرگانان بوسنیایی به شخصی به نام آلاگوز صلاحیت تام داده بود، یکی از این افراد بود. بورسای نیز همانند تبریز به قرارگاهی برای بازرگانان و صرافان ایرانی که همانند کارگزاری برای شرکای ایرانی خود بودند، تبدیل شده بود.

این بازرگانان یا خود به صورت مستقیم با بازرگانان ایتالیایی ارتباط برقرار کرده و خرید و فروش می‌کردند یا این که نمایندگان خود را برای تجارت به بالکان و ایتالیا می‌فرستادند. در سال 1467 یک بازرگان عمده فروش ایرانی که از اهالی شماخی بود، ابریشم خامی را که ارزشی معادل 220000 آقچه (5000 طلای دوکا)<sup>1</sup> (4400 لیبره)<sup>2</sup> (1408 کیلو داشت به بورسای آورده بود. (İnalçik Halil, 2000: 279).

با همه‌ی این مسائل روابط تجاری ایران و عثمانی در دوره‌ی آق قویونلو پویایی خود را حفظ کرد و اسناد موجود از پیشرفت قابل ملاحظه‌ی آن پرده بر می‌دارد چنان که در دفاتر شرعی بورسای، اسنادی موجود است که نشان می‌دهد بازرگانان ایرانی در این شهر با امنیت حقوقی کاملی داد و ستد می‌کردند. بورسای با کاروانسراهای زیبا، راحت و با امنیت خود، برای این بازرگانان جذاب و خوشایند

1. دوکا، دوکا یا دوچه واحد پول ونیز و فلورانس بود.

2. مقیاس وزن معادل نیم کیلو .

بود، کاروانسرای قوزه (کوزا) که در سال 1490 به دستور بایزید دوم در شهر بورسا ساخته شد و یکی از زیبا ترین کاروانسراهای شهر بورسا بود، در آن دوران به کاروانسرای عجم معروف بود. (İnalçik Halil, Bursa And Commerce (Of The Levant, 1960: 52).

این بازرگانان در کنار خرید پشم از اروپاییان، مروارید کشورهای خلیج فارس، شکر مصر و قبرس و حتی ادویه جاتی که از هندوستان به بورسا می آمد را خریداری می کردند. (İnalçik Halil, 2000: 276). در اواسط قرن 14 در گمرک خانه های تبریز صحبت از پارچه های اروپایی می شد که این امر منعکس کننده ی اهمیتی بود که تجارت پارچه های اروپایی در ایران به دست آورده بود. (Ibid: 292).

### روابط تجاری ایران و هند در دوره آق قویونلو

دولت آق قویونلو به واسطه ی موقعیت تجاری ای که داشت، توانسته بود با دیگر دولت ها روابط خوبی برقرار کند. برای مثال به واسطه ی پیشرفت های تجاری بین دولت آق قویونلو و خاندان بهمنی<sup>1</sup> روابط نزدیکی برقرار شده بود. این امر توسط محمود گاوان که بازرگانی مشهور بود و وزارت خاندان بهمنی را بر عهده گرفته بود، محقق شد. این رابطه پس از نیمه ی دوم قرن پانزدهم با هدف پاسخ گویی به نیازهای هندی ها برای مبادله ی کالا و همچنین نیازهای متقابلی که میان دربار آق-

1. بهمنی ها نام خاندانی است مسلمان که در بین سال های 933-748 ه ق 1527-1347 م در دکن حکم می رانند. هیچده فرمانروا از این خاندان حکمرانی کرده اند. این خاندان توسط فردی به نام حسن گانگو که افسری در رکاب سلطان محمد بن تغلق سلطان دهلی بود، تأسیس شد. (Behmeniler T.H, 1944: 450). (IA, Enverkonukcu, ). (H.k sherwani, 1960: 923). (C.E. Bosworth, 1967: 205).



قویونلو و دربار بهمنی بود، به وجود آمد. به این ترتیب در دوران ترکمانان نیازهای اقتصادی موجب شکل گیری روابط اجتماعی شد.

در نامه‌ای که محمود گاوآن از شاهزاده‌ی گیلان برای اوزون‌حسن آورده بود، پیشنهاداتی برای تسهیل روابط تجاری وجود داشت. (Aubin Jean, 1971:12). توجه اوزون‌حسن به تجارت خارجی، نشان‌گر اهمیتی بود که او برای اقتصاد کشور قائل بود.

### تجارت در اواخر حکومت اوزون‌حسن تا پایان دوره آق‌قویونلو

اما پس از شکست اتلق‌بلی، کشمکش و مجادله‌ی میان فئودال‌های بزرگ به ویژه بزرگان نظامی کوچ نشین با دولت مرکزی قوت گرفت. حرکت‌های استقلال طلبانه-ی امیران و عدم تبعیت آنان از دولت مرکزی، خطراتی را برای دولت آق‌قویونلو به وجود آورد. کاترینو زنو که به عنوان سفیر ونیز در دربار آق‌قویونلو بود، در نامه‌ای که در ژوئیه‌ی 1473 به ونیز می‌فرستد، از امرای بتلیس که در اراضی آق‌قویونلو صاحب 20 قلعه‌ی مستحکم بودند، یاد می‌کند.

این امرای که حوزه‌ی فعالیت آن‌ها از کرمانشاه تا تبریز ادامه داشت، همان گونه که برای حیات سیاسی دولت آق‌قویونلو خطرناک بودند، برای حیات تجاری آن نیز ضرر داشتند. زیرا راه‌های تجاری و کاروان‌های بازرگانی که دولت آق‌قویونلو را با حلب، شام، بیروت و بورسا مرتبط می‌ساخت، اغلب از مناطقی می‌گذشت که امرای بتلیس در آن مناطق قدرت داشتند. گروه‌های راهزن منسوب به این عشیرت به

صورت مداوم کاروان‌های تجاری‌ای که از آن مناطق می‌گذشتند را چپاول و غارت می‌کردند.

به همین علت اوزون‌حسن پس از پیروزی‌هایی که بر جهان‌شاه و ابوسعید داشت، اقداماتی را برای شکستن مقاومت قبایل سرکش که از حکومت مرکزی تبعیت نمی‌کردند و برقراری امنیت در راه‌های تجاری انجام داد. اوزون‌حسن نیرویی را به فرماندهی صوفی خلیل، سلیمان بیگ و بایندر بیگ برای مقابله با این قبایل فرستاد، این نیرو توانست قلعه‌های متعلق به این قبایل را تصرف کرده و ویران کند. (Şerefan.1990: 448-449).

حاکم بتلیس به همراه تمام نیروها و قلعه‌های خود تابع دولت آق‌قویونلو شد؛ اما شکست اتلق‌بلی بار دیگر شرایط را برای سرکشی و طغیان آن‌ها بر ضد حکومت مرکزی فراهم کرد. (Rumlu Hasan-1.1349: 510). (Memmedov). (Süleyman,1994: 379). در کنار فعالیت‌های مثبتی که برای توسعه تجارت انجام می‌گرفت، جنگ‌های پی در پی اوزون‌حسن، پایه‌های اقتصادی دولت را سست کرده بود.

صنعت‌گران، خرده بازرگانان و روستاییان بیش از همه از این جنگ‌ها متأثر بودند، زیرا هزینه‌های جنگ‌ها از این گروه‌ها گرفته می‌شد. برای مثال در تابستان سال 1474 مقصودبیگ پسر اوزون‌حسن برای سرکوب شورش قبایل، از مردم تبریز طلب پول کرد اما مردم از پذیرش خواسته‌ی او امتناع کردند. صنعت‌گران و بازرگانان کارگاه‌ها و مغازه‌های خود را بسته و به خانه‌هایشان رفتند. (Ibid: 381).

یکی از نگرانی‌های مهم یعقوب‌بیگ که پس از ازون‌حسن و سلطان‌خلیل بر تخت آق‌قویونلو نشسته بود، حفظ وضع اقتصادی موجود بود. به همین دلیل به شهر تبریز که در مسیر راه تجاری دریای خزر به دریای مدیترانه بود توجه خاصی داشت.

روابط سیاسی آق‌قویونلوها با حاکم شیروان که تابع دولت آق‌قویونلو بود، با ازدواج یعقوب‌بیگ با گوهر سلطان خانم دختر فرخ‌یسار شروانشاه محکم‌تر شد در حالی که روابط تبریز با قسمت‌های جنوبی دریای خزر متشنج بود. حکومت‌ها و ایالت‌های نیمه مستقلی در این ناحیه وجود داشتند؛ در اواخر قرن پانزده در ناحیه‌ی غربی دریای خزر سادات ملاطی یا کیایی بیه‌پیش و در شرق این ناحیه خاندان مرعشی یا قوامی مازندران به عنوان مهم‌ترین قدرت‌های این ناحیه سر برآوردند. (Woods, John E, 1976: 147).

در این دوران، بر روابط آق‌قویونلو با دیگر پایتخت‌های ترک، یعنی هرات، قاهره و استانبول به دلیل نگرانی‌های تجاری و اقتصادی، صلحی سطحی حاکم بود. به همین علت در طول جنگ عثمانی - مملوک در بین سال‌های 91-1484 چه در قاهره و چه در استانبول نسبت به نیات واقعی یعقوب‌بیگ نگاهی همراه با ترس و شک و تردید وجود داشت.

بنا به گزارش یک جاسوس واقع‌بین و معتدل عثمانی در سال 1490، مبنی بر یک حمله از طرف نیروهای آق‌قویونلو بر قره حصار که در دست دولت عثمانی بود، به دلیل ترس از تحریم اقتصادی تبریز، به هیچ نشانه‌ای مبنی بر خارج شدن یعقوب‌بیگ از جاده‌ی بی‌طرفی در مقابل جنگ نیروهای عثمانی و مملوک بر نمی‌خوریم.

با در نظر گرفتن اهمیت تجارت ابریشم در اقتصاد پیش از مدرنیسم ایران، این حرکت یعقوب بیگ نتیجه‌ی عدم تمایل او در به خطر انداختن ورود او به بازارهای حلب و بورسا بود. (Ibid: 149). در قرن پانزده و در زمان ایوان سوم (1505-1462) با تأسیس دولت متمرکز، روسیه نفوذ بین‌المللی خود را افزایش داد (Nimet Kurat Akdes, 1993: 123).

راه تجاری جدیدی از شهر تور به آستاراخان، دریای خزر به آسیای میانه، داغستان، آذربایجان و ایران گشوده شد. از نواحی مختلف در روسیه بازرگانانی به شهر شماخی که پایتخت دولت شروان شاهان و تابع حکومت آق‌قویونلو بود، می‌آمدند. حاکم دولت شروان شاه فرخ یسار، از نخستین کسانی بود که دولت ایوان سوم را به رسمیت شناخت.

از نیمه‌ی دوم قرن پانزدهم بازرگانان شیروان به طور مداوم برای عقد قراردادهای رسمی به مسکو رفت و آمد می‌کردند. در سال 1465 فرخ یسار سفیری به نام حسن را به مسکو فرستاد. سفیر یک سال بعد به همراه سفرای روس که زیر نظر واسیلی پاپی بودند و همچنین بازرگانان روسی از اهالی تور و مسکو به شیروان بازگشتند. در قرن پانزدهم به تجار روس در شهرهای ساحلی دریای خزر و دریای سیاه و قلمرو دولت آق‌قویونلو و کشورهای دیگر بر می‌خوریم. (Memmedov Süleyman, 1994: 386).

یکی از این بازرگانان نیز، سیاح مشهور آفاناسی نیکیتین بود. این سیاح و بازرگان روسی در سال‌های 1466-1467 در شهرهای دربند، شماخی، باکو و سایر شهرها به

گشت و گذار و سیاحت پرداخته و پیرامون اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور اطلاعاتی به دست آورد. همچنین او به کمک فرخ یسار حاکم شروان‌شاه توانست تجار روس را که به دست خلیل‌بیگ حاکم قیطاق اسیر و اموال آن‌ها مصادره شده بود را نجات دهد. (Aliyarli Süleyman, 1996: 331-332).

در سال 1475 ایوان سوم برای گسترش روابط تجاری سفیر خود لارکروف که از اهالی ایتالیا بود را به دربار ازون‌حسن فرستاد. سفیر که به خوبی توانسته بود مأموریت‌های محوله را به پایان رساند، به همراه آمبروسیو کنتارینی سفیر ونیز و همچنین سفیر ازون‌حسن در سپتامبر سال 1476 به مسکو بازگشت. (Nimet Kurat Akdes, 1993: 121). (Memmedov Süleyman, 1994: 388).

در این دوران گذرگاه آستاراخان - مسکو، فعال بود و مسکو از این طریق از یزد پارچه‌های ابریشمی خریداری می‌کرد. بعدها نیز انگلیسی‌ها سعی در ایجاد چنین راه تجاری‌ای برای کالاهای ایران و هندوستان داشتند. (İnalçik Halil, 2000: 282). در این دوران وام دادن برای تجارت در ایران، به تعبیر دیگر رباخواری توسط هندی‌ها انجام می‌گرفت. (Anonymous, 1943: 27).

اخیگری که نقش مهمی در گسترش تجارت داشت در دوران آق‌قویونلو نیز نقش خود را ایفا کرد و در اوائل قرن پانزدهم در عرصه‌ی حیات سیاسی کشور نیز نقش مهمی داشت. اما در این دوران اخیگری در داخل خود دچار تقسیماتی شد. برای مثال شیخ اخی‌قصاب که در تبریز وارد تشکیلات اخیگری شده بود، برای مدتی در تبریز در شغل طمغاچی مشغول و وارد صنف اداری شده بود. تقسیمات این چنینی

در تشکیلات اخگیری در شهر تبریز، موجب تکه تکه شدن این تشکیلات شد و آرام آرام به تضعیف و برچیده شدن آن از این شهر منجر شد. (S.M.Onullahi, 1982: 100).

### نتیجه گیری

بررسی های انجام شده نشان می دهد که حکومت آق قویونلو، قوانین و مقرراتی را برای تجارت وضع کرده بود. بسیاری از شهرهایی که تحت حاکمیت آق قویونلوها قرار داشتند، هر یک به مثابه یک مرکز تجاری مهم بودند. در این شهرها کالاهای بسیاری خرید و فروش می شد. آق قویونلوها برای تجارت بین المللی هم اهمیت قائل بودند و سعی داشتند راه های تجاری را تحت کنترل خود بگیرند. از این منظر طرابوزان برای دولت آق قویونلو از اهمیت تجاری ویژه ای برخوردار بود. این شهر به منزله ای معبری برای ورود تجار آق قویونلو به دریای سیاه بود. تجار آق قویونلو در این شهر علاوه بر ونیزی ها و ژنوایی ها که برای خرید ابریشم و دیگر کالاهای شرقی به آن جا می آمدند، با دیگر تجار اروپایی نیز دیدار می کردند. تجار آق قویونلو علاوه بر این که سود سرشاری از تجارت طرابوزان به دست می آوردند، به واسطه ای این شهر با مراکز تجاری واقع در شبه جزیره ی کریمه ارتباط برقرار می کردند. قسمت بزرگی از تجارت خارجی دولت آق قویونلوها را تجارت ابریشم تشکیل می داد.

با این حال کشمکش های سیاسی میان آق قویونلو ها با حکام محلی و دولت عثمانی باعث می گردید که تجارت به وسیله بار مالی ای که بر آن برای تأمین خواسته های سیاسی حکومت مرکزی تحمیل می شد تحت فشار قرار گیرد. همچنین اخگیری که

نقش مهمی در گسترش تجارت داشت در دوران آق قویونلو نیز نقش خود را ایفا کرد و در اوائل قرن پانزدهم در عرصه‌ی حیات سیاسی کشور نیز نقش مهمی داشت. اما در این دوران اخگیری در داخل خود دچار تقسیماتی شد که نه تنها باعث گسترش تجارت نشد، بلکه به همراه خود اخلال نیز در تجارت در پی داشت که منجر به بر چیده شدن آن در برخی شهرها شد.

#### منابع و مأخذ

Akgündüz A,(1991),**Osmanlikanunnameleri Ve Hukuki Tahlilleri**,CIII.İstanbul.

Aka Ismail,(19981), **XV,Yüzyilinilk Yarisinda Timurlularda Zirai Ve Ticari Faakiyetler**, Tarih Enstitüsü Dergisi,X-XI.

Al Azzavi Abbas (1939),**Tarihul- Irak Beyne İhtilaleynel Hukmat El Turkmaniyye**,C III,Bağdad.

Aliyarli Süleyman,(1996),XIV,**Yüzyilin Sonu-XV Yüzyilin Başlangicinda Halk Utopiyalari Vebidatçı Hareket Siyasi Birlik Meeyli**,Azerbaycan Tarihi,Bakü.

Anonymous,(1943), **Tadhkirat Al-Muluk**, Translated And Explained By V. Minorsky, London.

Aubin Jean,(1971),**Les Relations Diplomatiques Entre Les Aqqoyunlu Etles Bahmanides**, Iran And İslam,.C.E Bosworth,Edinburg University Press.

Barbaro Giosafat,(1873), **Travels Of Josafa Barbaro**, Translate By William Thomas,Travels In Tana And Persia, London.

Behmeniler T.H,(1944), **IA,C.II**,İstanbul.

Bosworth C.E. (1967),**The İslamic Dynasties**,Edinburg.

Celeleddin Dewani,(1438),**Ahlak-ı celali**, Süleymaniye Kütüphanesi,Hamidiye.

Contarini Ambrosio,(1873), **The Travels Of The Magnificent Amrosio Contarini**, Tranlate By S.A.Roy, Travels In Tana And Persia,London.

Ferrier Ronald,(1985),**Trad From The Mid- 14th Century To The End Of The Safawid Period**,CHI,Volume VI.

Giovanni Maria Angiolello,(1873),**A Short Narrative Of The Life And Acts Of The King Ussun Cassano**, Translate By C.Grey, A Narrative Of Italian Travels In Persia,London.

Inalcik Halil,(1960),**Bursa**,XV,Asir Sanayi Ve Ticaret Tarihine Dair Vesikalar,Belleten,Sair 93,Ankara.

\_\_\_\_\_,(2000),**Osmanli İmparator Lugnun Ekonomik Ve Sosyal Tarihi C.I**, Halil Berktay,İstanbul.

\_\_\_\_\_,(1960), **Bursa And The Commerce Of The Levant**,Journal Of Economic And Social History Of The Orient,V.III,Leiden.

Kareng Abdul Ali,(1351), **Asar-ı Bastani-İazerbaycan**,I,Tahrán.



Konokçu Enver,(1994),**Hindistandaki Türk Devletleri**,Doğuştan Günümüze Büyük İslam Tarihi,C.IX,Konya.

Memmedov Süleyman,(1994),**Akkoyunlu Devleti**,Azerbaycan Tarihi,C.I,Bakü.

Mirroğlu İsmet,(1990), **Kema Sancağı Ve Erzin Cankazasi**, Ankara,.

Neşri Mehmed,(1995), **Kitab-1 Cihan Nüma**,Yayınlayanlar,F.R Unat-M.A Köymen,CII,Ankara.

Nimat Kurat Akdes,(1993),**Rusya Tarihi**,Ankara.

Onullahi S.M.,(1982),XIII-XVII. **Eslerde Tebriz Şehrinin Tarihi**,Baku.

Özbudun Sibel,(1993),**300 Yılik Türk İmparator Luğu Akkoyunlular**,İstanbul.

Öztürk Mürsel,(2001),**Ebu Bekr-İ Tihrani, Kitab-1 Diyarbekriyye**,Ankara.

**Practical Philosophy OF The Muhammadanpeople**,( 1839), Being A Translation OF The Akhlak-İ Jalaly,By W.F.Thompson,London.

Rumlu Hasan-1,(1349),**Ahsenüt-Tevarih**,Neşr,Abdül Huseyn-İ Nevai,C.X1,Tahran.

Şerefhan,(1990), **Şerefname**,Çev.M.Emin Bozarıslan,CI,İstanbul.

Serefedin Ali,(1339), **Timur Ve Tüzükati**, Mustafa Rahmi,İstanbul.

Sherwani H.K,(1960),**Behmanis**, ,EI,Volume I,London.

Tansel Selahattin,(1999), **Faith Sulran Mehmedin Siyasi Ve Askeri Faakiyetleri**,Ankara.

Tekin Emrullah,(1994), **Timur Ve Devlet Yonetimstratejisi**,İstanbul.

Tihrani Ebu Bekr-İ,(1993),**Kitab-1 Diyarbekriyye**,Yay,Necati Lugal-Faruk Sümer,CII, Ankara.

Turan Osman,(1993), **Dogu Anadolu Turk Devletleri Tarihi**, İstanbul.

Ünal Mehmet Ali,(1989),XVI, **Yüzyilda Harput Sancağı**,Ankara.

Uzun Çarşili I.H.,(1984),**Anadolu Beylikleri Ve Akkoyunlu Kara Koyunlu Devletleri**,Ankara.

Walther Hinz.(1992), **Uzun Hasan Ve Şeyh Cüneyd**. Tevfik Biyiklioğlu, Ankara.

Woods John E.,(1976),**The Aqqoyunlu Clan,Confederation,Empire**,Chicago.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني